

بسم الله النور

مروری بر

هویت شهرهای ایرانی حریم خلیج فارس و صدور شاخصهای آن به کشورهای مجاور

محمد هادی عرفان
کارشناس ارشد معماری
و مدرس دانشگاه

مقدمه:

شهرهای ایرانی به عنوان یکی از پیشگامان فضاهای مدنی در تاریخ میدرخشند. و البته در حوزه حریم خلیج فارس شاهد حضور دیرپا و شکوهمند شهرهای پارسی هستیم. تمدن بشکوه عیلامی و شهرهای بزرگ آن و نخستین ردپاهای مدل شهر ایرانی در خلق شهر عیلامی به محوریت شهر مقدس - تمنس - و زیگورات چغازنبیل و تناسب هوشمندانه آن با محورهای جغرافیایی و تعدد دروازه ها و رسیدن به الگوی کهندژ - شارستان - ربض از ویژگیهای شهر ایرانی است که در گستره ای به پهنای تاریخ و عمق جغرافیا گسترده شده است.

این تحقیق برآن است تا در مقالی هرچند فشرده مروری اجمالی به عناصر شهری شهرایرانی و صدور این عناصر و شناسه های شهری به تاریخ و جغرافیای فرادست و دور دست بپردازد.

۱- در حوزه جغرافیای سرزمینی: شهرهای کهن ساحلی مانند سیراف از یک سو و نشانه های متمایز از حضور شار ایرانی در سرزمینهای دور دست - از جمله قاره آفریقا - و به صورتی ویژه شهر شیراز در زنگبار از موارد مورد مطالعه در این تحقیق خواهد بود.

۲- در حوزه تاریخ نیز تاثیرپذیری شهر سازی در دوره بنی عباس از بغداد تا ... از مدل شهرسازی ایرانی کاویده و گزارش آن ارائه خواهد شد.

ایجاد شهرهای ایرانی ، تاریخ و تطور:

کاوشهای باستانشناسی دال بر وجود نقاط سکونت از 7000 سال قبل در سراسر ایران بزرگ است. تورنگ تپه ، در شمال مرکزی، مزدوران در شمال شرقی ، یانیک تپه در شمال غربی ، شهر سوخته در شرق مرکزی ، بمپور در جنوب شرقی ، سیلک در مرکز جغرافیایی ، تل نخودی، در جنوب غربی و قلعه نثار در غرب مرکزی^۱ و دهها نقطه و تپه و تل تاریخی نشاندهنده وسعت سکونت در فلات ایران. این نقاط تاریخی اندک اندک تبدیل به فرهنگ - مانند فرهنگ سگز آباد و گیان و شوگا - گردید و از هزاره سوم ق.م. به بعد شاهد به وجود آمدن شهر، شهرنشینی و استقرار دولت هستیم. از شهرهای ایلامی میتوان تنها در حد نام هایی در تاریخ یاد کرد. شوش ، هوهنوری (huhnuri) ، هیدلو (hidalu/i) و لیان (liyan) - یا همان بوشهر - از جمله شهرهای ایلامی اند.^۲

از شهرهای مادی با قلعه سازی و شهرسازی متمایزش میتوان به پایتخت آن هگمتانه اشاره کرد. از شهرهای دوره هخامنشی میتوان به احتمال قوی به هرات، کابل ، پیشاور، و بطور قطع به تخت جمشید و پاسارگاد اشاره داشت. اما رد پای دولت هخامنشی را میتوان در سرزمینهای دور تر هم دید. کوروپولیس و مرکند در ایالت سغد، از جمله این شهرها هستند.^۳

از شهرهای اشکانی نیز شهرهای نسا- در نزدیک عشق آباد -، دارا - در ناحیه ابیورد - قابل اشاره اند. از شهرهای ساسانی می توان به نه (نهپندان) و کاین (قاین)، ابرشهر (نیشابور)، در خراسان، سیرگان، بم، و جیرفت در کرمان، سیراف و لیان در حاشیه خلیج فارس، اردشیرخوره، دارابگرد، گور و پسا در فارس، شاپور، رهشت آباد اردشیر، گندی شاپور، شاپورخواست و قصر شیرین در خوزستان امروزی، اشاره کرد. گاه تا قریب به ۳۷ شهر ساسانی در کتب تاریخی مورد اشاره واقع شده است.^۴

با ورود اسلام به ایران، ساختارهای طبقاتی در فرهنگ ایرانی دچار تحولاتی اساسی شد و به تبع آن ساختارهای شهری نیز دچار دگرذیسی گردید. شهرهای نوظهور مسلمان نشین از اسپانیا تا اندونزی ایجاد شد. قرطبه، طلیطله، فسطاط، کوفه، بصره، واسط، و از همه مهمتر بغداد شهرهای نوظهور قرن اول و دوم هجری اند. موج مدنیت نوین مسلمانان باعث شد تا بعدها شهرهای دیگری در اقصی نقاط ایران بزرگ و یا فراتر از آن در حوزه نفوذ فرهنگ ایرانی در قاره کهن آسیا و آفریقا هم بوجود آمدند. از جمله کاشغر در چین مسلمان نشین و شیراز در جزیره زنگبار^۵.

«معماری در ایران بیش از ۶۰۰۰ سال تاریخ پیوسته دارد، دست کم از ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد، تا به امروز، با نمونه های اختصاصی که در ناحیه ی پهنای از سوریه تا شمال هند و مرزهای چین، قفقاز تا زنگبار پراکنده است. بناهای ایرانی متنوع است، ...»^۵.

گفتنی است در طی رشد تاریخی تمدن مسلمانان، مشابهتهای مشخصی نیز در آثار معماری در جای جای ایران و جهان اسلام قابل مشاهده است. مانند اشارات ابن بطوطه به ظهور فضای متفاوت نیایش با عنوان زاویه در آفریقای مسلمان که آنرا معادل مدرسه در ایران اسلامی می شمرد.^۶

فرهنگ و زبان پیامبر شهرسازی ایرانی:

در فرهنگ فارسی کلمات و لغاتی وجود دارد که نا خودآگاه حکایت از سلطه مدنیت و شار ایرانی بر غرب و گاه شرق دارد. از آنجمله میتوان به کلماتی مانند کلمات زیر اشاره داشت:

۱. پره دئ او سه: پردیس که معادل آن فردوس در عربی و پارادایس را در فرهنگ لاتین وجود دارد.
۲. پسوند «تان» برای روستا و حومه در برابر سرزمین بزرگ ایران زمین که منجر به اطلاق نواحی و کشورهای فعلی پیرامونی ایران با این پسوند شده مانند قرقیزستان، افغانستان و... و نیز منجر به ساخت کلمه تاون - town- به معنای شهر کوچک و حومه در فرهنگ لاتین شده است.
۳. بازار: در فارسی میانه وازار؛ در فارسی مانوی با ترکیبهایی چون وازارگ (بازاری)، وازارگان (بازرگان)، وازارگانی (بازرگانی)، وازاربذ (رییس بازار، ملک التجار رجوع کنید به کتیبه سه زبانه شاپور اول در کعبه زردشت و نیز رستگ - ی - وازار (راسته یا رسته بازار رجوع کنید به دینکرد مَدَن). در پارتی وازار (درخت آسوریک)، در ارمنی؛ سغدی مانوی، این واژه به همان معنی جایگاه دادوستد، این واژه ایرانی، از راه بازرگانی، از یک سو به عربی، ترکی عثمانی، و زبانهای اروپایی، و از سوی دیگر به زبان سرزمینهای هند و سیلان راه یافته است. این واژه در عربی به صورت بازار؛ در ترکی به صورتهای بازار/ بازار؛ در فرانسه bazar و چند گونه دیگر؛ در اسپانیایی و پرتغالی bazar؛ در ایتالیایی bazaar؛ در انگلیسی از طریق ایتالیایی bazaar و چندین گونه دیگر؛ در زبان آلمانی basar؛ در زبان روسی bazar؛ در زبانهای صربی و مجاری در هندی و در لحن عامیانه آن بَزار/ بَزَار، در زبان مالایایی Pazar دیده می شود^{۷ ۸ ۹ ۱۰}.

از آنجا که نخستین شواهد این واژه در زبانهای اروپای شرقی از قرن پنجم / یازدهم و در زبان فرانسه از ۱۴۳۲/۸۳۶، یعنی قبل از زبان پرتغالی ۱۵۴۴/۹۵۱ دیده شده است، این تصور که پرتغالیها اولین بار این واژه را از هند به اروپا برده باشند بی پایه است. این شواهد نشان می دهد که بازار ایرانی با ویژگیهای خود زبانزد جهانیان بوده و واژه ایرانی بازار به بسیاری از زبانهای جهان درآمده است.

۴. چارسو: در ترکیه از روزگار عثمانیان به بازار سرپوشیده اصلی و بزرگ، چارشی یا چارشو گفته می شود که برگرفته از چارسو/ چهارسو/ چهارسوق فارسی دری و چهار سوگ فارسی میانه است.

۵. ساباط

۶. خان: واژه ای فارسی، کهنسال، و با معانی گوناگون و از آن جمله «سرای و کاروانسرای»، در واژگان بازار در ایران بیشتر کاربرد تاریخی دارد و در متون جغرافی نویسان اسلامی قرنهای چهارم و پنجم، برای بازار شهرهایی مانند ری، نیشابور، اهواز، و کازرون به کار رفته است. برابری عمل خان و قُندُق را یاقوت در مُعجم البلدان و ابن بطوطه در رحله متذکر شده اند در پایان قرن دوازدهم زمانی که کاملاً واژه و کالاه عربی بر خان فارسی غلبه کرده بود، هنوز در مصر، چهارده خان وجود داشته و کار می کرد. خانها از لحاظ وسعت و خصوصیات معماری درجات گوناگون دارند، بعضی از آنها بسیار ساده (خانه ای خشتی با حجره های یک طبقه گرد یک حیاط کوچک) و برخی مانند خانهای بزرگ در قرنهای دوازدهم و سیزدهم در حلب و اصفهان و تهران و قزوین و اراک به صورت مجموعه های زیبا با معماری یکدست و منسجم، حجره های متعدد، حیاطهای ایوان دار، دالانها، راهروها، و طاقنماهای مجلل اند، و بعضی دیگر مانند خان الخلیلی قاهره بمرور صورت یک شهرک تجاری، با چندین بازار تخصصی، به خود گرفته اند. خان به طور کلی شامل یک حیاط میانی است که حجره های به هم پیوسته گرد آن را گرفته است. تفاوت خانها بیشتر در شکل زمین، تعداد طبقات، و نوع ایوان و رواق و راهروهاست.

۷. بیمارستان: و معادل آفریقایی آن مارستان^{۱۱}

و کلماتی مشابه که مورد نظر این مقاله نیست.

نمونه اول: شیراز

سرآغاز دولت و تمدن شیرازی در شرق آفریقا به هزار سال پیش برمی گردد. در اواخر قرن چهارم هجری (۱۰ میلادی) در پی تحولاتی که مربوط به نواحی جنوبی ایران بوده است تعداد قابل توجهی از بازرگانان و دریانوردان ایرانی نخست از بندر سیراف (طاهری) و سپس از جزایر کیش و هرمز به سواحل شرقی آفریقا کوچ نمودند. این مهاجرت به فرماندهی شخصی به نام علی بن حسین شیرازی (یا علی بن حسن) صورت گرفته که احتمال دارد از خاندان بویه (شاخه فارس) باشد. او با استقرار در کیلوا (در ساحل تانزانیای کنونی، پادشاهی شیرازی ها را پایه گذاری کرد.

این دولت حدود پانصد سال پایدار بود؛ و کم کم با کاهش قدرت این پادشاهی و قدرت گرفتن حکومت های فاطمی، ایوبی، مملوک ها و عثمانی در مصر و شمال آفریقا دولت شیرازی ها تضعیف شد. سرانجام در اواخر قرن نهم هجری در پی هجوم پرتغالی ها در زمان ابراهیم، آخرین فرمانروای شیرازی به عمر آن خاتمه داده شد. دولت شیرازی شرق آفریقا نقش مهمی در توسعه مناسبات تمدنی آن سامان داشته و نیز پدیدآورنده فرهنگ و قومیت سواحیلی شده است.

در فرهنگ می توان عناصر ایرانی قابل توجهی را سراغ گرفت. به گونه ای که واژه های پارسی بسیاری در زبان سواحیلی کنونی وجود دارد، هم چنین ادبیات و اشعار سواحیلی از شاعران بزرگی مانند حافظ و خیام تاثیر پذیرفته است.^{۱۲}

زنگ و زنگی یک واژه فارسی است به معنی تیره رنگ، قهوه ای و سیاه، و بار یعنی محل، کاخ مانند دربار و همچنین به معنی ساحل، کناره و کرانه (مثل: جویبار، رودبار، ارسباران ...) و در مجموع زنگبار یعنی «ساحل سیاهان و یا سرزمین سیاهان». ایرانی ها از دوره هخامنشی با این منطقه دادوستد تجاری داشته اند.

بعدها بویژه در دوره بعد از اسلام و در سده سیزدهم میلادی مهاجران زیادی از شیراز و سیراف به زنگبار کوچیدند و در آنجا ساکن شدند.^{۱۳}

رواج تقویم ایرانی (هجری شمسی)، گسترش دین اسلام، وعید نوروز در شرق آفریقا از دیگر اثرهای نفوذ تمدن و فرهنگ بزرگ ایرانی‌ها در آن جایگاه می‌باشد.

در حدود هفتاد کیلومتری جنوب بندر ممباسا در کشور کنیا، شهر کوچکی وجود دارد به نام شیراز که آثار مهمی از مسجد و مقبره مربوط به دوره شیرازی‌ها در آنجا دیده می‌شود. یکی از این مساجد این شهر شیراز، سنگی بوده و به سبک روزگار خاندان بویه می‌باشد. هم‌اکنون نیز اقوامی در این منطقه به نام شیرازی‌ها زندگی می‌کنند. دانش جامعه ایرانی و ایرانیان نسبت به تمدن و دولت شیرازی شرق آفریقا اندک است.^{۱۴}

الف. تشابهات فرم معماری:

یکی از موارد قابل اشاره به تشابه های کالبدی های معماری در دو نمونه ایرانی و آفریقایی برمیگردد.



۱. عکس روبرو: بنای بازمانده از ایرانیان در شیراز زنگبار. با یک مناره



۲. عکس روبرو: مسجد جامع نائین. با یک مناره. نمای ورودی. متعلق به دوره آل بویه

تصاویر فوق و تصاویر بعدی نمونه هایی از تشابه معنادار این دو فرهنگ، فرهنگ ایرای و فرهنگ آفریقایی را تأیید میکند. تصاویر فوق اشاره ای به تشابهات معماری و سیمای شهری و جزییات وابسته به آن است. در تصاویر ۱ و ۲ میتوان تشابه زیاد فرمی دو بنا را یکی در شیراز در آفریقا و دیگری در نائین - مربوط به قرن ۴ هجری - در ایران مشاهده نمود. مناره فرد. پخی های یالهای مناره، پلان منتظم مناره و نسبت مناره به حجم کناری در این دو نمونه کاملاً قابل مقایسه است.

ب. تشابهات در نگاه کاربردی به مصالح، و در تناسبات و مدولاسیون پنجره ها

میتوان این نمونه را در تناسبات طلایی ایرانی در تاق کسری هم دنبال نمود. تصاویر زیر گویای بخشی از این شباهت‌هاست. تناسبات طلایی ایرانی و تبدیل پنجره های سه گانه در هر اشکوب به بازشوهای واحد در اشکوب پایینتر از شیوه های معمول در معماری ساسانی است.

در تصاویر ۳ و ۴ نمونه هایی از تناسبات بازشوها - پنجره - در باغهای ایرانی آورده شده که نوع استفاده از چوب و نسبت فضاهای پر و خالی و تا حدی جزئیات اجرا شباهت آنها با نمونه مشابه امروزی در جزیره زنگبار قابل بررسی می نماید.



۵. تصاویر زیر: بنایی در زنگبار. به تناسبات پنجره ها دقت شود.



۳. عکس بالا: سردر باغ ملی، تهران. با استفاده از کتاب «ایران کهنه نگین تمدن». مدل و تناسب پنجره ها قابل دقت و مورد نظر نگارنده بوده است. بنا گرچه متعلق به دوران متأخر است ولی این مدول در سیمای شهری سابقه بس دیرین در ایران زمین دارد.

۴. عکس وسط: سردر کوشک باغ ارم، شیراز. با استفاده از کتاب «ایران کهنه نگین تمدن». مدل و تناسب پنجره ها قابل دقت و مورد نظر نگارنده بوده است. بنا گرچه متعلق به دوران متأخر است ولی باغ و احتمالاً کوشک آن ریشه در معماری دوره تیموری دارد.

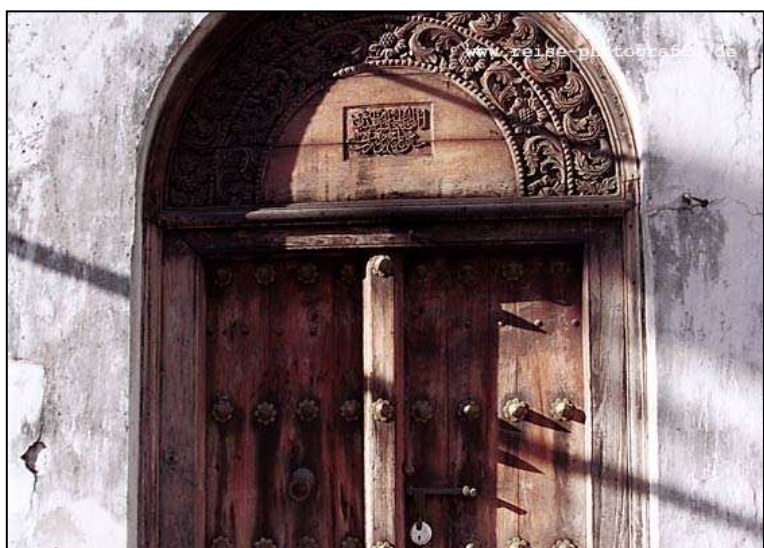
۶. تصاویر تاق کسری، کهن الگوی
زیباشناختی سیمای معماری در عهد
ساسانی.



ج. تاثیر پذیری طراحی ورودیها از نمونه های مشابه ایرانی
نمونه جالب دیگر تاثیر پذیری کاملاً محسوس درها از نمونه ایرانی در مقایسه با نمونه های آفریقایی است.



۷. عکس در زنگبار. منبع اینترنت
۸. عکس در زنگبار. منبع اینترنت
۹. عکس در زنگبار. منبع اینترنت
۱۰. عکس در کاروانسرای در
بیرجند ایران. منبع: نگارنده
۱۱. عکس دری در شهر فاس. آفریقا.
منبع: هنر اسلامی. نوشته
باربر اباراند
۱۲. سرای بروجنی ها . اصفهان.
منبع: نگارنده
۱۳. حسینیه ای در بیرجند. منبع:
نگارنده



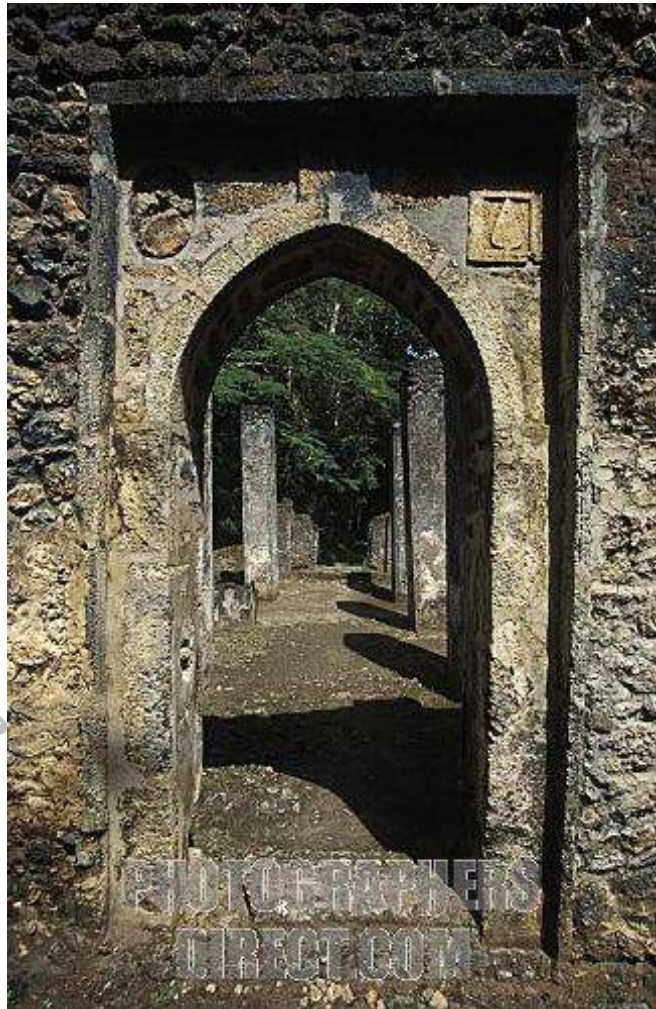
تفاوتهای آشکار درهای مذکور با نمونه مشابه مربوط به شهر آفریقایی فاس و مشابهتهای آشکار آنها با نمونه های ایرانی آنقدر وضوح دارد که نیاز به ارائه مدارک بیشتر را کم رنگ میکند.

د. استفاده از نمادها و شناسه ها در تزیینات :

استفاده از المانهای مشخصا ایرانی از دیگر مولفه های قابل بررسی در بقایای شهر شیراز است که ماندگاری فرهنگ ایرانی و اصرار و ابرام اهالی شیراز را به این فرهنگ یادآوری میکند.



عکس ۱۴. تصویر نشاندهنده طاقی
چندان ایرانی نیست اما نشان سرو
در گوشه سمت راست تصویر
آشکارا عنصری ایرانی مینماید.



نمونه دوم : تاج محل

در پی تبادلات فرهنگی هنری و سیاسی میان گورکانیان هند و صفویه ، و وابستگی خانوادگی همایون ، جهانگیر، ممتاز و سایر پادشاهان بآری به ایرانیان و خصوصا حضور کسانی مانند استاد عیسی شیرازی نقشه نویس، استاد احمد معمار لاهوری، میرک میرغیاث الدین در خلق آثار ماندگار معماری و یا نقش بزرگان ایرانی در حوزه مدیریت مانند غیاث بیگ تهرانی ، ابوالحسن آصف خان شاهد رواج زبان و هنر ایرانی در شبه قاره هستیم .

اوج این تاثیرات در بناهایی مانند تاج محل خود نمایی میکند که مشخصا از معماری ایرانی حتی در مقیاس معماری شهری و طراحی شهری بهره گرفته است. تصاویر زیر به برخی از این تاثیرات اشاره دارد^{۱۵}.

الف. تاثیرات در طراحی و جانمایی محوطه :

باغ ایرانی با تقارن هندسی مشخص و قرار گیری کوشک بطور معمول در آکس هردو محور و یا در آکس یکی از دو محور یکی از مولفه های معماری و شهرسازی ایرانی شناخته میشود. باغ ایرانی از هخامنشی تا قاجار و تا قبل از ورود عنصر غربی پارک ، یکی از عوامل شناسایی فرهنگ ایران زمین بوده است. تاثیر پذیری تاج محل و نوع محوطه سازی اش از باغهای ایرانی قابل اشاره است.



تصویر ۱۵. تقارن در تاج محل

در تصویر فوق مشاهده میشود که علاوه بر تقارن حول محور عمودی بر ساختمان ، معمار نمای معکوس - و تصویر در آب - را هم برای این بنا مد نظر داشته است . این در حالی است که این موضوع اساسا در سرزمین کم آب ایران جلوه خاص خود را دارد و معمار میتوانسته است با حذف آن ابتکاری دیگر را بکار بندد. خصوصا که بنا در مجاور رودخانه جمنا قرار گرفته است. و تصویر معکوس بنا حداقل در زمانهایی از رودخانه قابل مشاهده بوده است. این تاکید معمار بر استفاده از ترفندهای معماری ایرانی در محوطه سازی ، قابل بررسی است. نکته دوم کثرت بندیها و قطعه بندی های باغچه ها است که ساختاری مدولار و ایرانی دارد.

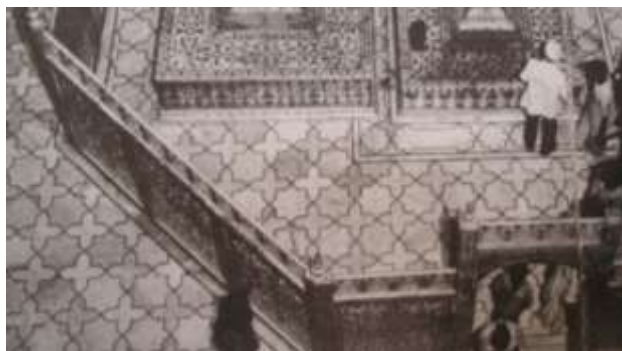


تصویر ۱۶. تاج محل و موقعیت رودخانه جمنا

ب. تاثیرات در جزئیات معماری:

بکار گیری تزئینات مشابه در کفسازی از نمونه های قابل ذکر در زمینه تاثیر پذیری از معماری ایرانیست.

البته معمار با هوشمندی در تنوع اقلیم ، تنوع مصالح را بکار برده . سعی کرده تفاوت‌های فرهنگی و اقلیمی دو



► تصویر ۱۷. مقبره تاج محل دید از بالا جزئیات کفپوشها مقایسه شده است.

► تصویر ۱۸. سوگواری فرامرز بر تابوت پدرش رستم و عمویش . زواره. شاهنامه بایسنقری. ۵۸۳۳ق

▲ تصویر ۱۸،۱. جزئیات کفپوش اتاق



سرزمین را با تفاوت در مصالح و تفاوت‌هایی در فرم تبدیل به فرصتی در طراحی نماید. ترصیع در بافت نازک کاری سنگی بدنه و فرم پیازی شکل گنبد از جمله این تفاوت‌هاست. تفاوت در ساقه گنبد و فرم متفاوت مناره در این بنا که تبدیل به اتاقک‌های قابل رفت و آمد شده است و نگاه برون گرایانه فرم از تفاوت‌های جدی این نوع از معماری با معماری درون‌گرایانه ایرانی است.

نتیجه گیری:

تمدن ایرانی برآمده از قرون و اعصار ، مدنیت و شهرنشینی را به امروز به جهان تقدیم نموده است. در این میان حوزه نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی خاکها و آبها را در نوردیده است. که نمی از این یم پرآوازه به کوتاهی در این مقاله ارائه شد. نفوذ شهرسازی و معماری ایرانی در شبه قاره و به تبع آن سرزمین چین و آسیای جنوبشرقی و نفوذ آن در اروپا و آفریقا بیش از تحمل ظرف کوچک این مقاله است. اما از آنچه تقدیم شد میتوان نتیجه گرفت که :

۱. شهرهای ایرانی از جمله سیراف از دیرباز در مجاورت خلیج فارس ایجاد شده و نماینده فرهنگ ایرانی در این خلیج ایرانی بوده اند.
۲. پس از تشریف ایرانیان به دین مبین اسلام ، این روند حداقل تا قرن هفتم بالنده و مداوم ادامه داشته و مدل و مدول معماری و شهرسازی ایرانی از شاخ آفریقا تا ساحل رودخانه جمن و گنگ مرجع موثری برای معماران و حاکمان بوده است.
۳. استفاده از حیاط مرکزی ، انواع قوسها و طاقها ، فیلیپوشها و گنبدها و جزییات درها و ورودیها ، مناره ها در مقیاس معماری در فرمهای معماری و استفاده از تناسبات معماری ایرانی مانند ، تقارن عمودی و افقی، سیرکولاسیون آب ، نماهای هوشمند در برابر آفتاب و بازی با نور و ایجاد معماری مقبره ای همراه با معماری مذهبی در شیراز و تاج محل از تاثیرات معماری ایرانی در شرق آسیا ، هند و آفریقا است.
۴. عناصر شهرسازی ایرانی مانند بازار ، تفکر شهر سه لایه (کهندژ-شارستان-ربض) و تقسیم بندی مبتنی بر برنامه ریزی منطقه ای قابل به تفاوت شهر و شهرستان از مهمترین مولفه های شهرسازی ایرانی اثرگذار

بر شهرسازی آسیا و آفریقا است. که با توجه به تاثیرپذیری معماری چین از هند و معماری ژاپن از چین این موضوع نیازمند پژوهشی مستقل است.

۵. ردپای این تاثیرگذاری در بسیاری از زبانها و ملل از جمله شبه قاره هند ، شاخ آفریقا و فرهنگ سواحیلی، قابل مشاهده و تدقیق است.

خلیج فارس محل تاریخی تاثیرگذاری ایرانیان بر آفریقا و شبه قاره بوده است و امید است پژوهشهای هدفمند در این زمینه راه را برای تداوم حضور فرهنگ بالنده ایرانی در اقصی نقاط جهان به عنوان منادی خوبی و صلح و خدایرستی فراهم آورد. متشکرم.

- منابع و مآخذ:
۱. اطلس تاریخ ایران. سازمان نقشه برداری کشور. چاپ دوم. ۱۳۸۴
 ۲. تداوم طراحی باغ ایرانی تاج محل ، سلطان زاده حسین. دفتر پژوهشهای فرهنگی. چاپ اول. ۱۳۷۸
 ۳. هنر اسلامی. باربارا برند. ترجمه: دکتر شایسته فر مهناز. موسسه مطالعات هنر اسلامی. چاپ اول ۱۳۸۳.
 ۴. ایران کهنه نگین تمدن. هنرسرای گویا. چاپ پنجم.
 ۵. معماری ایران در قلمرو آل بویه. آزاد میترا. انتشارات کلیدر. چاپ اول ۱۳۸۱
 ۶. شهرهای عربی - اسلامی ، اصول شهرسازی و ساختمانی ، بسیم سلیم حکیم ترجمه: ملک احمدی محمد حسین و اقوامی مقدم عارف. چاپ اول بهار ۸۱
 ۷. Dehli Agra & Jaipur. Glorreiche Stadte. Rupinder Khullar. 2003
 ۸. مجموعه معماری آرامگاهی «مزار شیخ احمد جام» ، صابر مقدم فرامرز. چاپ اول پائیز ۸۳

۹. درخت آسوریگ : متن پهلوی ، آوانوشت ، ترجمه فارسی ، فهرست واژه ها و یادداشتها از ماهیار نوابی ، تهران ۱۳۴۶ ش
۱۰. محمدجواد مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی ، تهران ۱۳۵۷ ش
۱۱. محمدجواد مشکور، فرهنگ هزارشهای پهلوی ، تهران ۱۳۴۶ ش
۱۲. پاول هرن ، هاینریش هوبشمان ، اساس اشتقاق فارسی ، ترجمه جلال خالقی مطلق ، تهران ۱۳۵۶ ش

۱. ر.ک. اطلس تاریخ ایران. سازمان نقشه برداری کشور. چاپ دوم ۱۳۸۴. صص ۱۴ تا ۱۴۱

۲. اطلس تاریخ... صص ۱۴ تا ۱۸

۳. اطلس تاریخ... صص ۳۳ تا ۳۷

۴. اطلس تاریخ... صص ۴۷ تا ۴۹

۵. ا. پوپ، معماری ایران، ص ۹

۶. ر.ک. شهرهای عربی-اسلامی ، اصول شهرسازی و ساختمانی ، بسیم سلیم حکیم، صص ۲۲۰-۲۱۴

۷. درخت آسوریگ : متن پهلوی ، آوانوشت ، ترجمه فارسی ، فهرست واژه ها و یادداشتها از ماهیار نوابی ، تهران ۱۳۴۶ ش

۸. محمدجواد مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی ، تهران ۱۳۵۷ ش

۹. محمدجواد مشکور، فرهنگ هزارشهای پهلوی ، تهران ۱۳۴۶ ش

۱۰. پاول هرن ، هاینریش هوبشمان ، اساس اشتقاق فارسی ، ترجمه جلال خالقی مطلق ، تهران ۱۳۵۶ ش

۱۱. ر.ک. شهرهای عربی-اسلامی

۱۲. ر.ک. مقاله « پادشاهی شیرازی ها » در تارنگار(وبلاگ) آریوبرزن

۱۳. ر.ک. ویکی پدیا. زنگبار

۱۴. ر.ک. مقاله « پادشاهی شیرازی ها » در تارنگار(وبلاگ) آریوبرزن

۱۵. ر.ک. نشریه هنرهای تجسمی، شماره ۲۲. اردی بهشت ۸۴. گزارش شاهکارهای نگارگری ایران